

توصیف آخرالزمان در متون هندو و تطبیق آن بر عصر حاضر^۱

سعید کریم پور^۲

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

فیاض قرایی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

زمان در آیین هندو، به گونه‌ای متفاوت از آیین‌های سامی نگریسته می‌شود. طبق عقاید هندو، زمان از چرخه‌هایی تودرتو تشکیل شده که دوره‌های آن‌ها به تناوب تکرار می‌شود و کوتاه‌ترین دوره آن، از چهار مرحله پی در پی تشکیل شده که آخرین آن‌ها کلی یوگه نام دارد. از این رو دوره کلی یوگه را می‌توان به نحوی آخرالزمان هندو به شمار آورد. متون هندو، کلی یوگه را عمدتاً با ویژگی غلبه بدی‌ها بر نیکی‌ها توصیف کرده‌اند و به ظهور یک منجی در آن دوره اشاره می‌کنند که با غلبه دادن نهایی خیر بر شر، زمینه ورود بشریت به دوره‌ای جدید از ترقی و پیشرفت را که مرحله آغازین دوران بعدی تاریخ است، فراهم خواهد ساخت. با این حال، تحقیقات دقیق‌تر نشان می‌دهد که در این باره اندکی ناسازگاری در متون وجود دارد، و معرفی کلی یوگه با اوصاف ناخوشایند، بیشتر ناشی از شرایط خاص حاکم بر دوران نگارش متون متأخر هندو بوده است. در این مقاله، ضمن بررسی مفهوم «زمان ادواری» در تفکر هندو، و توصیف متون مقدس هندو از کلی یوگه، نظراتی را که برای تطبیق آن بر دوره‌های مختلف تاریخی - به‌خصوص دوران معاصر - ارائه شده، بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها

هندوئیسم، زمان دورانی، آخرالزمان، کلی یوگه، کلکی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): seeed.karimpur@yahoo.com

دوره‌های زمان در آیین هندو

یکی از آموزه‌ها در سنت هندو، این است که زمان، گذری دَوْرانی دارد و گردش روزگار به صورت یک چرخه است؛ یعنی روزگار، دوران زمانی بزرگی است که هیچ‌گاه به پایان واقعی نمی‌رسد بلکه نقطه پایان هر دوران آن، نقطه آغاز دوران مشابه دیگری است (این باور، برخلاف عقیده ملل سامی است که گذر تاریخ را خطی و دارای یک مرحله آغازین و یک مرحله فرجامین می‌دانند). این باور در سنت هندو را اصطلاحاً «زمان دَوْرانی»^۱ یا «چرخه زمان»^۲ می‌نامند. در سنت هندویی نیز هم‌چون سنت‌های بسیاری از ملل دیگر، بحث‌های علمی و دینی در موضوع زمان و روزگار با یکدیگر پیوند خورده‌اند.

در سنت هندو، نخستین دیدگاه‌ها درباره زمان را می‌توان در وداها مشاهده کرد. آتِهروه ودا به ما می‌گوید که «زمان» پدیدآورنده همه چیزهایی است که هست و خواهد بود. در اوپنیشدها، برهما که وجود مطلق است، فراسوی زمان و مبدأ آن است. نیز اوپنیشدها می‌گویند که همه موجودات از زمان جاری می‌شوند و در زمان رشد می‌یابند و در شکم زمان ناپدید می‌شوند. زمان، هم صورت دارد و هم ندارد. در بَگود گیتا، کریشنا که خدایی است که در هیأت جسمانی ظاهر شده، می‌گوید: «من زمان هستم، زمان نیرومند و ویرانگر جهان، اما برای حفظ جهان در این‌جا ظاهر شده‌ام». به طور کلی، زمان است که مخلوقات در آن پخته می‌شوند؛ اما این‌که خود زمان در کجا پخته می‌شود، رازش را فقط کسی می‌داند که وداها را فهمیده باشد.^۳

طبق آموزه‌های هندو، جهان به لحاظ زمانی از دوره‌های گوناگون و تودرتو تشکیل شده که هر دوره اصلی آن را «مها یوگه»^۴ (دوره بزرگ) می‌نامند، که از ۴۳۲۰۰۰۰ سال خورشیدی (یا به قول بعضی متون: «سال بشری») تشکیل شده است. چون هر دوره مها یوگه، خود از چهار دوره تشکیل می‌شود، آن را «چاتور یوگه»^۵ (چهار دوره) نیز می‌خوانند. گفته شده که هر ۷۱ چاتور یوگه، یک مَنوتَره^۶ را تشکیل می‌دهد، و آن عبارت از دوره

1. Cyclical Time.

2. Circle of Time.

۳. دالاپیکولا، آنال، /سطورهای هندوی، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۰ش، صص ۱۳۹-۱۴۰.

4. Mahā Yuga.

5. Chaturyuga.

6. Manvantra.

زمانی بسیار بزرگی است که تعلق به یک «منو» یا «پاتریارک» (پیشوای روحانی بزرگ) دارد؛ تعداد کل منوتَره‌ها ۱۴ تا است، که جمعاً یک کلپه^۱ را تشکیل می‌دهند. بر هر منوتَره یک منوی متفاوت ریاست می‌کند، که ایجادکننده و نگهدارنده نسل بشری روزگار خویش است. بین دوران‌های چهارگانه مذکور هیچ فاصله‌ای وجود ندارد، اما بین منوتَره‌ها (هر منوتَره با منوتَره بعدی) یک «سمدی»^۲ یا «دوره پیوند» وجود دارد، که طول آن از نظر زمانی برابر با کرته یوگه است. به این ترتیب، کل یک کلپه، برابر با ۱۰۰۰ چاتور یوگه خواهد بود.^۳ این دوره بسیار طولانی، به مثابه یک «روز» برهما (خدا) محسوب می‌شود و البته «شب» آن هم کلپه دیگری با همین اندازه زمانی خواهد بود.^۴ در پایان «روز» برهما، همه چیز نابود می‌شود: ویشنو در هیأت یک رودره ظاهر می‌شود و خشکسالی عظیمی به مدت صد سال پدید می‌آید، هفت خورشید بر آسمان پدیدار می‌شود و همه آب‌ها را می‌خشکاند. ویشنو جهان را به آتش می‌کشد و سپس بادی عظیم خواهد وزید که جهان را زیر و رو خواهد کرد. آن‌گاه بارانی عظیم خواهد بارید و آتش را خاموش کرده و تمام جهان را در خود غرق خواهد ساخت. جهان در تاریکی فرو خواهد رفت و در تمام طول این «شب» تاریک، بی‌نظمی حکم‌فرماست. برهما در درون نیلوفری آبی شناور بر امواج، با باد می‌رود و می‌خسبد. همه چیز به نابودی نهایی می‌رسد و هر چیز به اصل خود تجزیه می‌شود، و همان‌طور باقی می‌ماند تا آن‌که روح کیهانی بیدار شود و در جهان غرق در آب، برهما باز پا به عرصه وجود بگذارد و همه چیز را از نو بیافریند.^۵ این فرایند آفرینش و نابودسازی در تمام عمر برهما که مهاکلپه خوانده می‌شود، رخ می‌دهد. مهاکلپه صد «سال» طول می‌کشد که هر «سال» آن از ۳۶۰ «روز» و «شب» آن‌چنانی که اشاره کردیم، تشکیل شده است.^۶

1. Kalpa

2. samdhi

3. *The Mahabharata*, Protap Chandra Roy(trans.), Bharata Press, Calcutta, 1884, vol. 2, p. [216+] 558.

4. Fleet, J. F., "The Kaliyuga Era of B.C. 3102" *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, Cambridge University Press, 1911, p.482.

۵. دالایکولا، آنا ال، صص ۷۰-۷۱.

6. Ibid, pp.482-483.

اما هم‌چنان که گفتیم، هر مها یوگه یا دوره بزرگ، به‌طور کلی به چهار دوره کوچک‌تر تقسیم می‌شود. طبق تقسیم‌بندی که سابقه آن به زمان براهماگوپتا^۱ دانشمند هندی در اوایل قرن هفتم میلادی می‌رسد،^۲ دوره‌های مها یوگه عبارت‌اند از: ۱. کرته یوگه^۳ یا دوره طلایی (۱۷۲۸۰۰۰ سال)؛ ۲. ترتا یوگه^۴ یا دوره نقره‌ای (۱۲۹۶۰۰۰ سال)؛ ۳. دوپره یوگه^۵ یا دوره برنزی (۸۶۴۰۰۰ سال)؛ و ۴. کلی یوگه^۶ یا دوره آهنی (۴۳۲۰۰۰ سال).^۷ مقدس، بین هر یک از این دوره‌ها با فرهنگ و معنویت در جامعه بشری، رابطه برقرار کرده‌اند. طبق مهابارته، جامعه بشری در هر دوره، از لحاظ دینداری و اخلاق، وضع خاصی دارد که متفاوت با دیگری است: در کرته یوگه (دوره طلایی)، در آن، درمه^۸ یعنی دین و آئین به‌طور کامل اجرا می‌شود، همه سالم و نیکبخت هستند و علم و آگاهی آن‌ها از نوع معرفت شهودی است. در ترتا یوگه (دوره نقره‌ای)، بیشتر درمه هم‌چنان به اجرا درمی‌آید، فضایل اخلاقی نسبت به دوره اول کمی کاهش پیدا کرده، مراسم قربانی آغاز می‌شود و فساد و ستیزه‌جویی اندکی در بین مردم یافت می‌شود. در دوپره یوگه (دوره مسی)، تنها نیمی از درمه مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد، فضیلت و نیکی نسبت به دوره اول، نصف شده و ناخوشنودی، دروغ و ستیز رواج پیدا کرده است. در کلی یوگه (دوره آهنی)، که آخرین و بدترین دوران است، فضایل اخلاقی از بین می‌روند و تنها یک چهارم از درمه اجرا می‌شود.^۹ علت انتساب این دوره به آهن، کم‌ارزش بودن این فلز است که گاهی مفید

1. Brahmagupta

۲. لَلا (Lalla)، دیگر دانشمند هندی که شارح آثار آریاباتا (Āryabhata) بوده و ظاهراً هم‌زمان با براهماگوپتا می‌زیسته نیز، با روش علمی دیگری بر اساس فاصله مدار ماه از زمین، تقریباً به نتیجه مشابهی در محاسبه مدت هریک از دوره‌های چهارگانه رسیده است (Ibid, p.480).

3. Kṛta Yuga

4. Treta Yuga

5. Dwāpara Yuga

6. Kali Yuga

7. Ibid, p.480.

8. Dharma

۹. ایونس، ورونیکا، شناخت اساطیر هند، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر،

۱۳۸۱ش، ص ۴۱.

و گاهی نیز مضر می‌باشد.^۱ در این دوره، تمس که بدترین جنبه طبیعت است، غلبه پیدا می‌کند.^۲ در متون هندو، وضع اخلاقی جامعه در این چهار دوره به صورت گاوی با چهارپا تشبیه شده که در دوره اول روی هر چهارپای خود، در دوره دوم روی سه پا، در دوره سوم روی دوپا، و در دوره چهارم روی فقط یک پا ایستاده است.^۳ این تشبیه، در واقع برای نشان دادن میزان پایداری وضعیت جهان است.^۴

به این ترتیب، به ما گفته شده که ما اکنون در کلی یوگه یا «دوره آهن» از بیست و هشتمین چاتور یوگه، در هفتمین منوتتره در نخستین کلهه از نیمه دوم عمر برهمن به سر می‌بریم؛^۵ این دوره، طبق محاسبات ریاضی و نجومی آریبته^۶ دانشمند هندو در قرن پنجم میلادی، از روز جمعه ۱۸ فوریه سال ۳۱۰۲ ق.م آغاز شده است^۷ و ۴۰۰۰۰۰ (یا به قولی

1. Lochtefeld, James G., *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, The Rosen Publishing Group, Inc., New York, 2002, p. 338.

2. Jones, Constance A. & Ryan, James D., *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., New York, 2007, p.223.

۳. در مهابارته، گفته شده که این گاو در دوره اول یعنی کرته یوگه چهار پا دارد، و در دوره سوم یعنی دواپره یوگه تنها دو پا دارد. نک.

The Mahabharata, trans. by Protap Chandra Roy, Bharata Press, Calcutta, 1884, vol.2, p. [216+] 571.

۴. ابوطالبی، صادق، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو»، جمعی از نویسندگان (ویراستار علمی: علی موحدیان عطار)، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ش، ص ۶۹.

۵. پژوهشگران در این باره به متونی هم‌چون سوریه- سیدنته (Sūrya-Siddhānta) (۱: ۲۱-۲۲) و ویشنو پورانه (۱: ۳: ۲۶-۲۷) ارجاع می‌دهند. اما برخی متفکران هندو نظیر سری یوکتسوار (Sri Yukteswar) و شاگردش پرمتنسه یوگاننده (Paramhansa Yogananda) هم بر اساس بعضی محاسبات، معتقدند که دوره کلی یوگه از سال ۵۰۰ میلادی آغاز شده و در حدود سال ۱۷۰۰ میلادی به پایان رسیده است، و ما اکنون در دوره دواپره یوگه به سر می‌بریم که دوره شروع اکتشافات و اختراعات بزرگ بشری است، و به مدت ۲۴۰۰ سال، یعنی تا سال ۴۱۰۰ میلادی طول خواهد کشید. نک.

Yogananda, Paramhansa, *Authobiography of a Yogi*, The Philosophical Library, New York, 2005 (second print), p.122.

6. Āryabhatya.

7. Yano, Michio, "Calendar, Astrology and Astronomy", *Flood, Gavin (ed.), Blackwell companion to Hinduism*, Blackwell Publishing, Malden (Massachusetts), 2003, p.390.

۴۳۲۰۰۰) سال دیگر طول خواهد کشید.^۱ با این حال، ما هنوز در «طلیعه» کلی یوگه هستیم که خود ۳۶۰۰۰ سال طول می‌کشد، و قسمت اصلی آن که شامل همان نشانه‌های ناخوشایندی است که برایش گفته‌اند، مدت‌ها بعد، از سال ۳۲۸۹۹ میلادی آغاز خواهد شد.^۲

کلی یوگه: آخرالزمان هندو

کلی یوگه (कलियुग) به عنوان آخرین دوره از چهار دوره مها یوگه، از این جهت که پس از آن، دوران مذکور به پایان می‌رسد و دورانی جدید آغاز می‌گردد، می‌تواند دارای همان مفهوم «آخرالزمان» تلقی شود. این دوره، که چهارصد هزار سال یا بیشتر طول می‌کشد، دارای خصوصیتی است که غلبه ظلم و شرارت بر عدل و نیکی از مهم‌ترین آن‌هاست. هم‌چنان که گفتیم، در این دوره که آخرین و بدترین دوران است، فضایل اخلاقی از بین می‌روند و تنها یک چهارم از درمه اجرا می‌شود. علت اطلاق نام کلی یوگه به این دوره، انتساب آن به یک موجود اهریمنی به نام «کلی» (कलि) است که تمام مفاسد این دوره ناشی از فعالیت اوست. مهابارته، در شرحی مفصل، توصیفی بس ناخوشایند از این دوره ارائه می‌دهد، که بخشی از آن چنین است:

در پایان دوره مذکور، یعنی وقتی چرخه [زمان] هزارساله می‌خواهد کامل شود، بیشتر انسان‌ها به دروغ گفتن عادت می‌کنند. آن موقع، به جای آن‌که قربانی‌ها و نذورات را بزرگان تقدیم کنند، نمایندگان تقدیم می‌کنند. برهمنان کارهایی را انجام می‌دهند که مناسب شوره‌هاست، و شوره‌ها به جمع کردن ثروت مشغول می‌شوند. کشتاریه‌ها نیز به انجام کارهای دینی می‌پردازند. در کلی یوگه، برهمنان از مطالعه و تقدیم پیشکشی خودداری می‌کنند و از عصا و پوستین گوزن خود محروم هستند، و در توجه به غذاها، همه‌چیزخوار

1. Coulter, Charles Russell, *Encyclopedia of Ancient Deities*, Turner, Patricia, Chicago & Fitzroy Dearborn, London, 2000, p.258.

2. Fleet, "The Kaliyuga Era of B.C. 3102", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, p.484.

۳. کلی (Kali)، در واقع نام یک موجود اهریمنی است و نباید با کالی (काली: Kālī) یا کالیکا (Kālīkā):

(कालिका) که نام یکی از خدایان هندو (خدای آسمان و مادر جهان) است، اشتباه گرفته شود.

می‌شوند. بر همان در آن زمان، از دعا و مراقبه خودداری می‌کنند اما شوره‌ها به این کارها مشغول می‌گردند. سیر زمان وارونه می‌شود و این چیزها نشانه نابودی جهان خواهد بود. بسیاری از پادشاهان ملچه (نانجیب) بر زمین حکم خواهند راند، و این شاهان گنهکار که به دروغ‌گویی عادت کرده‌اند، با قواعدی بر اتباع خود حکومت می‌کنند که ناصحیح است. عمر مردم کوتاه می‌شود، قوت و زور و نیروی آن‌ها به ضعف می‌گراید... فحطی بر اهل و عیال مردم سیطره می‌یابد، و شوارع پر از زنان بدنام خواهد شد... مردان که به نوشیدنی‌های سکرآور عادت کردند، قادر خواهند شد به بستر آموزگاران خود تخطی کنند، تمام امیال آن‌ها این جهانی است، و در پی چیزهایی هستند که مربوط به گوشت و خون است... و مردم که عمل و فکرشان ناپاک است، در حسادت و بدکاری به سر می‌برند... و آن موقع، زمین پر می‌شود از گناه و بی‌اخلاقی. و زمین از فضیلت، به هر شکل آن، تهی خواهد شد... تاجران و سوداگران که پر از فریبکاری هستند، مقادیر زیاد کالاها را با وزن‌ها و اندازه‌های دروغین به فروش می‌رسانند. آنان که اهل فضیلت‌اند ناکام خواهند ماند اما آنان که اهل گناه‌اند کامیابی روزافزون خواهند داشت. و فضیلت، قوتش را از دست می‌دهد درحالی که گناه، در نهایت قدرتمندی خواهد بود... و مردم در آن زمان در شهرها، حتی در ملاء عام گناه می‌کنند، و همیشه می‌خواهند با روش‌های گناه‌آلود به اهداف خود برسند.^۱

نویسندگان متون باستانی هندو، نظیر پورانه‌ها، عمدتاً بر ویژگی‌های ناخوشایند کلی یوگه تأکید کرده‌اند و همین باعث شده که امروز نیز بسیاری از دانشمندان، کلی را صرفاً دورانی تاریک و پرمحنت تلقی کنند.^۲ اما در همان پورانه‌ها و متون دیگر، جملاتی نیز درباره کلی یوگه هست که آن را با خصوصیات کاملاً متفاوت توصیف می‌کند. مثلاً جنیانپانه^۳ (سرود حکمت) که پونتائتم نمپوتیری^۴ شاعر گروه ویشنوه در قرن شانزدهم در کرالا^۵ (جنوب هند) سروده، کلی یوگه را «بهترین زمان‌ها» توصیف می‌کند. شاعر در این سروده، درباره این دوره می‌گوید:

1. *The Mahabharata*, trans. by Protap Chandra Roy, Bharata Press, Calcutta, 1884, vol.2, pp. [216+] 558-560.

2. Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 2014, 41 (2), p.173.

3. Jñānappāna

4. Pūntānam Nampūtiri

5. Kerala

چه آسان است دستیابی به آرامش ابدی! نه نیاز است که تلاش زیادی بکنی و نه زحمتی بکشی. فقط باید نام‌های مقدسش را بر زبان آوری...^۱

ملپوتور نارایتنه بته^۲، شاعر و دانشمند دیگری از منطقه کرالا در همان دوران، در قطعه شعری موسوم به نارایتیام^۳، همین معنا را با ظرافت بیشتری پرداخته است. او در توصیف شکل و شمایللی که ویشنو در هر یوگه به خود می‌گیرد و شیوه پرستشی که در هر یک از شمایلش باید برای او داشت، می‌گوید که او در کلی یوگه چهره‌ای آبی‌فام به خود می‌گیرد و مردم در این حال باید او را با سنکیرتنه‌ها^۴ (سرودهای روحانی) پرستش کنند. او ادامه می‌دهد: «خجسته باد عصر کلی، زمانی که مردم می‌توانند خدا را با روش‌های بی‌زحمتی هم‌چون خواندن سرودهای روحانی و غیره، خوشنود سازند. حتی آنان که در ترتا^۵، کرتا^۶ و غیره زاده شده‌اند، دلشان می‌خواهد در کلی یوگه متولد شوند». او سپس گزارش می‌دهد که پریشیت پادشاه، شمشیر خود را برکشید تا کلی بیرحم، دشمن درمه، را بکشد، اما او را نکشت زیرا به این حقیقت پی برد که پرستش خدا در آن عصر (کلی یوگه) بلافاصله ثمربخش خواهد بود.^۷

در باگوتّه پورانه^۸، از قول کرباجنه^۹ (یکی از نه یوگین^{۱۰}) نقل شده که ویشنو در کرتّه یوگه، ترتا یوگه، دواپره یوگه و کلی یوگه نام‌ها، شکل‌ها و رنگ‌های ظاهری متفاوتی به خود می‌گیرد و متناسب با هر کدام، به نحوی متفاوت پرستیده می‌شود. کرباجنه پس از

1. *Jñānappāna*, by: Pūntānam, Vijay Nambisan(trans.), *Puntanam and Melpattur: Two Measures of Bhakti*, New Delhi, 2009, pp.58-59 [quoted in: Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 2014, 41 (2), pp.173-174].

2. Melputtūr Nārāyaṇa Bḥṭṭa

3. Nārāyaṇīyam

4. saṅkīrtanas

5. Tretā

6. Kṛta

7. *Nārāyaṇīyam*, by: Bhatta, Melputhur Narayana, (with Malayalam commentary), 6th edition, Guruvayur, 2008, daśaka 92, vv. 6-8 [English translation in: Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 2014, 41 (2), pp.173-184.

8. *Bhāgavatapurāṇa*

9. Karabhājana

10. yogin

شرح این نحوه پرستش در مورد سه یوگه اول، به بحث درباره کلی یوگه می‌پردازد و می‌گوید:

بشنوید ای هوشمندان، که در کلی یوگه، کرشنای تیره‌فام شکوهمند را با همه اطرافیان از طریق سنکیرتننجنه‌ها پرستش می‌کنید... هری^۱ پروردگار سعادت، در هر یوگه، متناسب با همان یوگه پرستیده می‌شود. بینایان که ماهیت [اشیاء] را می‌دانند، همواره کلی یوگه را ترجیح می‌دهند، که در آن فقط با خواندن سرودهای روحانی می‌توان همه چیزهای مطلوب را حاصل کرد. آن، زمانی است که صلح نهایی امکان‌پذیر می‌شود، و چرخه زادمرد از بین می‌رود. در کلی [یوگه] کسانی که این‌جا و آن‌جا، به‌خصوص در سرزمین دراویدا، به [پرستش] ناراینه مشغول‌اند، زاده خواهند شد.^۲

در ویشنو پورانه^۳ - که قدیمی‌تر از باگوته دانسته می‌شود - نیز فقره مشابهی وجود دارد. در این متن، پراشره^۴ بعد از بیان شرور کلی یوگه برای میتریه^۵، به او می‌گوید که ویاسه^۶ حکیم، دیدگاه دیگری نسبت به این موضوع داشته است. خلاصه آن‌چه در ویشنو پورانه در این باره آمده، چنین است: تعدادی از روحانیان پیش ویاسه آمدند تا شبهات خود را برطرف کنند. آنان او را درحالی یافتند که سرگرم غسل در رودخانه گنگ^۷ بود؛ و شنیدند که او در حین غوطه خوردن در آب این آواز را می‌خواند: «شودره‌ها نیکو هستند. کلی نیکوست. زنان نیکو هستند». وقتی غسل او تمام شد، روحانیان پیش او رفتند و پرسیدند: «سرور ما، تو بارها و بارها تکرار کردی که کلی نیکوست. شودره‌ها نیکو هستند، و زنان هم نیکو هستند. ما می‌خواهیم سر تمام این سخن را بشنویم». ویاسه با لبخند به آنان گفت که در کلی یوگه، نتیجه اعمال نیک، آسان‌تر و زودتر معلوم می‌شود: «آن‌چه که در کرته [یوگه] ده سال طول می‌کشد، و در ترتا [یوگه] ده نیم‌سال، و در دواپره [یوگه] ده ماه، در کلی [یوگه] فقط ده شبانه روز طول خواهد کشید. آن‌چه که برهمنان در نتیجه تپس، براهماکاریه‌ها، جپه و غیره به‌دست می‌آورند، [همه] مردان در کلی [یوگه]، حاصل می‌کنند.

1. Hari

2. *Srimad-Bhagavatam (Bhāgavata purāṇa), Skandha, 11, Adhyāya 5, vv.19-42.*

3. *Viṣṇupurāṇa*

4. Parāśara

5. Maitreya

6. Vyāsa

7. Gangā

از این روست که گفتم کلی نیکو است. آنچه [مردم] در کرته [یوگه] با مراقبه، در ترتا [یوگه] با اجرای یجنه‌ها، و در دواپره با ارکناها به آن نائل می‌شوند، در کلی [یوگه] با خواندن سرودهای روحانی به دست می‌آورند. مردان در کلی [یوگه] با کم‌ترین اعمال به اعلی درجات درمه دست می‌یابند و از همین روست که از کلی خوشم می‌آید. البته او بلافاصله جمله‌ای می‌گوید که نشان می‌دهد کلی یوگه به‌طور کامل هم مورد تعریف و تمجید او نیست: «این، تنها چیز خوب درباره کلی است، همان که بدترین [دوران‌ها] است».^۱

این نظرات، گاهی در پورانه‌هایی هم‌چون متسیه پورانه^۲ و برهمانده پورانه^۳ شکل مبهمی پیدا کرده‌اند. متسیه پورانه با اشاره به جاهایی که در یوگه‌های مختلف، مقدس تلقی خواهند شد، می‌گوید که رود گنگ به‌خصوص در کلی [یوگه] همان قدر مقدس است که نیمیشه^۴ در کرته [یوگه]، پوشکره^۵ در ترتا [یوگه]، و کوروکشتره^۶ در دواپره [یوگه].^۷ این موارد در نارتینیم بیشتر شاخ و برگ پیدا کرده است: غسل کردن در رود گنگ، مطالعه گیتا، خواندن گایتیری، استفاده از تولسی برای عبادت، مالیدن گوپی و صندل، پرستش سالگرامه، روزه‌داری در اکادشی، و خواندن نام‌های خدا، کارهایی هستند که با آن‌ها می‌توان رضایت خدا را در کلی یوگه به دست آورد.^۸ متسیه پورانه، در ادامه می‌گوید: «گنگ را پرستش کن، به‌خصوص در پریاگه. ای پادشاه، داروی دیگری در کلی یوگه در دسترس نیست». به همین ترتیب، برهمانده پورانه نیز می‌گوید: «مردم در آن زمان (کلی یوگه) به تحقق کامل نائل می‌شوند... در کلی، درمه را می‌توان در یک روز به دست آورد، همان که

1. *viṣṇu purāṇa*, translated by H. H. Wilson, Fitzedward Hal(ed.), Trubner & Co., London, 1870, vol.5, part 1, pp.180-184.

2. *Matsyapurāṇa*

3. *Brahmāṇḍa purāṇa*

4. Naimiṣa

5. Puṣkara

6. Kurukṣetra

7. *Matsyapurāṇa*, Adhyāya 106, vv.57–58 [English translation in: Veluthat, Kesavan, “Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga”, *Indian Historical Review*, 2014, 41 (2) 173-184].

8. *Nārāyaṇīyam*, Ibid, daśaka 92, vv.6-8.

در ترنا یک ماه و در دواپره یک ماه طول می‌کشد».^۱

هرچه از نظر زمانی جلوتر می‌رویم، این تناقض نمود بیشتری پیدا می‌کند. متون قدیمی‌تر مثل متسیه پورانه و برهمانده پورانه فقط حدس‌هایی درباره این جنبه‌های مثبت کلی یوگه ارائه می‌دهند. اما وقتی به ویشنو پورانه و باگوته پورانه می‌رسیم، جملات صریح می‌شوند. کلی بهترین دوران‌ها معرفی می‌شود، و حتی کسانی که در دوران‌های دیگر (که دوران‌های بهتری تصور می‌شوند) زاده شده‌اند، آرزو می‌کنند که در کلی یوگه به دنیا بیایند. همین توصیفات متأخرتر است که تناقض را آشکارا نشان می‌دهد. جالب این است که بسیاری از این جملات متناقض بلافاصله در پی یکدیگر آمده‌اند. توصیف کلی یوگه به عنوان تاریک‌ترین دوران از یک سو و بهترین دوران از سوی دیگر، در متون واحد، موضوع جالبی است. این توصیفات دوگانه از موضوعی واحد را در هر متن، چگونه می‌توان توجیه کرد؟

ظاهراً پاسخ این سؤال، در مذهب، به‌خصوص در آیین بکتی و همچنین در ویشنو که قهرمان کلی یوگه محسوب می‌شود، نهفته است. کلی یوگه در همه این توصیفات، به این خاطر مورد توجه است که بکتی در این دوران آسان‌تر و زودتر نتیجه می‌دهد. در کلی یوگه است که می‌توان ویشنو را به ساده‌ترین شیوه، هم‌چون خواندن سرودهای دینی و تکرار نام‌های او، پرستید. در کلی یوگه است که مهم‌ترین بکتاها در سرزمین دراویدا متولد می‌شوند؛ تا جایی که مِلپوتور ناراینه بته در منظومه خود خواستار آن می‌شود که در زمره آنان قرار گیرد: «خداوندگارا، مرا نیز در زمره آنان به شمار آور».^۲

در مطالعه مشترکی که کِساوان ولوتات^۳ استاد تاریخ دانشگاه دهلی و ام. جی. اس. نارایانان^۴ در اواخر قرن بیستم میلادی بر روی جنبش بکتی تأمیل انجام دادند، این بحث مطرح شد که برخلاف تصویری که تا آن زمان وجود داشت، این جنبش به دنبال مشروعیت‌بخشی به نظامی اجتماعی بود که در آن زمان در حال پیدایش بوده است. آن‌ها

1. *The Brahmāṇḍa purāṇa*, translated into English by Dr. G. V. Tagare, Motilal Banarsidass Publishers, Delhi, 1983 (rep. 2000), Part I, p.308 (Chapter 31. vv. 71–73).

2. *Nārāyaṇīyam*, Ibid, daśaka 92, v.7.

3. Kesavan Veluthat.

4. M. JG. S. Narayanan.

نشان دادند که بکتی در عین اعتراض به نابرابری، به ایجاد آن هم کمک می‌کرد و هم رنج‌های ناشی از آن را با القاء توهم ایجاد برابری، دل‌پذیر می‌ساخت. کساوان ولونات با مقایسه عملکرد جنبش مذکور با آنچه که در متون متأخر درباره کلی یوگه آمده، به این نتیجه رسید که در این متون نیز همین رویکرد وجود داشته است. یکی از ویژگی‌هایی که کلی یوگه را در این توصیفات بالاتر از یوگه‌های دیگر قرار می‌دهد این است که فرد معتقد را قادر می‌سازد که خدا را با روش‌های بی‌زحمت (نیریتنه)^۱ متحقق سازد. درحالی که برای یوگه‌های قبلی همه انواع مناسک توصیه شده‌اند (تپس برای کرته یوگه، یجنه برای ترتا یوگه، و تتره برای دواپره یوگه)، در کلی یوگه صرفاً با خواندن سرودهای دینی، می‌توان همان نتیجه را به دست آورد. بقیه شیوه‌های پرستش که در کلی یوگه توصیه شده‌اند و فوقاً اشاره کردیم نیز کارهایی بی‌زحمت هستند. این امر، به دو نکته در پرستش اشاره دارد: ۱. تأکید کمتر بر مناسک، تا حد کنار گذاشتن آن؛ ۲. تأکید بر سایر روشهای ارزان و بی‌زحمت.^۲ در این زمینه، آگاهی‌ای که باگوته پورانه از بکتهای سرزمین دراویدا دارد، مهم است. در واقع، همان طور که دانشمندانی هم‌چون فریدهلم هاردی^۳، جی. وان بوتین^۴، و ادوین برایانت^۵ اشاره کرده‌اند، دلایلی وجود دارد مبنی بر این‌که باگوته پورانه شدیداً تحت تأثیر سنت بکتی تأمیل قرار داشته است.^۶

از سوی دیگر، رویکرد هم‌گرایانه‌ای که این متون نسبت به شیوه‌های پرستش و طبقات اجتماعی جامعه هندو دارند نیز قابل توجه است. در باگوته پورانه، این سخن از قول آویرهوتره^۷ (یکی از یوگین‌ها) نقل می‌شود که «فقط با اجرای مناسک توصیه‌شده در وداهاست که می‌توان به تحقق [خدا]^۸ رسید».^۹ اما همین آویرهوتره بلافاصله در ادامه، به

1. niryatna

2. Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 2014, 41 (2), pp.173-184 (p.181).

3. Friedhelm Hardy

4. J.A.B. van Buitenen

5. Edwin Bryant

6. Ibid.

7. Āvirhotra

8. realisation

9. *Srimad-Bhagavatam (Bhāgavata purāṇa)*, Ibid, *Skandha*, 11, *Adhyāya* 3, vv.44-46.

تیین چگونگی پرستیده شدن هری از طریق پرستش بتها نیز می‌پردازد.^۱ ناراینیم در بیان راه رستگاری، ضمن اشاره به مناسک ودایی، می‌گوید: «همه مناسک در وداها گفته شده‌اند. فقط آن‌ها را انجام بده، خالص برای خدا... حتی سایر شکل‌های مناسک نیز برای جلب رضایت خدایان، نیکو هستند».^۲ رام شاران شارما معتقد است که متون پورانه‌ای، با طرح داستان‌های فراوان افرادی از طبقات اجتماعی مختلف که با خواندن سرودهای دینی و تلاوت نام‌های خداوند به سعادت و رستگاری رسیدند، دروازه‌های دین را به روی گروه‌هایی هم‌چون زنان و شودرها که همیشه پایین‌تر از بقیه گروه‌های جامعه هندو نگریسته می‌شدند نیز باز کردند.^۳ مثلاً وقتی ویشنو پورانه بلافاصله پیش از جمله «کلی نیکو است»، می‌گوید: «شودرها نیکو هستند، زنان نیکو هستند» معنایش این است که بگذارید این دو گروه که همواره پایین‌ترین گروه‌های جامعه دانسته می‌شوند، احساس کنند دیگر مورد تحقیر نیستند. اما در عالم واقعیت، وضع شودرها و زنان هیچ تغییری به خود ندید، بلکه شاید بدتر هم شد. در واقع شودرها نیکو خوانده شده بودند چون «مشتاق خدمت به کسانی‌اند که دوباره زاده شده‌اند» و زنان هم نیکو شمرده شده بودند چون «بی هیچ مشکلی به شوهران خود خدمت خواهند کرد».^۴ اما به هر حال، توهم برابری که این متون ایجاد می‌کردند موجب می‌شد که تحمل رنج‌ها برای مردم آسان‌تر و مقبول‌تر باشد. برای تسلاهی خاطر آنان، همیشه عقایدی هم‌چون کرمه و پونرجنمه، وجود داشت. حداقل، طبقات بالای جامعه به خود و دیگران می‌گفتند که با ایجاد چنان تصویری، مردم آن را بدان شکل پذیرفته‌اند.^۵ در کل، تلاش متون پورانه‌ای برای ایجاد تصویری خیالی از برابری بین گروه‌های اجتماعی، و مشروعیت‌بخشی به سایر شیوه‌های پرستش غیرودایی در عین تأکید بر وداها به عنوان مرجع نهایی تعالیم آیینی، تأثیر زیادی بر گرایش عده بیشتری از مردم به «هندوییزم پورانه‌ای» (که آن موقع مذهبی نوین و درحال پیشرفت بود) داشته است.^۶

بنابراین، جنبه‌های مثبت و خوشایندی که در پورانه‌ها برای کلی یوگه گفته شده،

1. Ibid, *Skandha*, 11, *Adhyāya* 3, vv. 48-55.

2. *Nārāyaṇīyam*, Ibid, *daśaka* 92, vv. 1-2.

3. Veluthat, Ibid, p.182.

4. *Śrīviṣṇupurāṇa*, Ibid.

5. Veluthat, Ibid, p.182.

6. Veluthat, Ibid, pp.182-183.

همراه با جنبه‌های منفی و ترسناک آن، هر دو، بخشی از ابزار عقیدتی لازم برای روبه‌رو شدن با این دوران هستند. پروفیسور ران شاران شارما توجه ما را به تمهیدات اضطراری همراه با امتیازات انحصاری جلب کرده که برای رویارویی با روزگار بحران ضروری است.^۱ ابزار مهم دیگر می‌تواند بکتی باشد، که ابزار عقیدتی دین است. وقتی صدای دلنشین نوازنده با شلاقی که برده را به پیش می‌راند همراه شود، اولی به نحو مؤثرتری عمل خواهد کرد.^۲

تطبیق کلی یوگه بر دوران معاصر

عقیده عامه هندوها این است که آغاز کلی‌یوگه، همان جنگ بزرگ کوروکشیتره^۳ بوده که در منظومه مهاربارته توصیف شده است^۴ و به این ترتیب، ما اکنون قرن‌هاست که در دوره کلی‌یوگه به سر می‌بریم.^۵ این عقیده، در آثار و سخنان بسیاری از بزرگان هندو در قرون گذشته دیده می‌شود. مثلاً در *گورو گرانث صاحب*^۶ کتاب مقدس آیین سیک^۷ که در فاصله قرون پانزدهم تا هجدهم میلادی به‌مرور نوشته شده و عمیقاً تحت تأثیر سنت هندو است، آمده که «اکنون، کلی‌یوگه است».^۸

از آن‌جا که متون هندو عمدتاً کلی‌یوگه را با ویژگی‌هایی ناخوشایند معرفی کرده‌اند، بسیاری از متفکران هندو، عصر حاضر را به سبب وجود همین ویژگی‌ها، عصر کلی‌یوگه دانسته و معتقد باشند این دوره از قرن‌ها پیش آغاز شده است. پروفیسور رام شاران شارما^۹ مورخ و دانشمند معاصر هندی، ویژگی‌های ناخوشایند دوره کلی‌یوگه را نشانه بحران

1. Sharma, Ran Sharan, "The Kali Age: A Period of Social Crisis" [in: D. N. Jha, ed., *The Feudal Order: State, Society and Ideology in Early Medieval India*, Manohar, New Delhi, 2000, pp.61–78, pp. 70-73.

2. Veluthat, Ibid, p.183.

3. Kurukṣetra

4. Werner, Karel, *A Popular Dictionary of Hinduism*, Curzon Press, Richmond, 2005, p.57.

5. Lochtefeld, Ibid.

6. *Guro Granth Sahib*

7. Sikhism

8. *Sri Guro Granth Sahib*, translated by Kartar Singh Duggal, Hemkunt Publishers, New Delhi, 2004 (reprint: 2005), vol.4, p.2683.

9. Ram Sharan Sharma

اجتماعی در این دوره، که در زمان نگارش متون مربوطه آغاز شده و عاملی مهم در ایجاد نظام‌های فئودال در هند باستان بوده، تلقی کرده است. او همچنین توجه ما را به تصمیمات اضطراری جلب می‌کند که در متون مذکور برای رویارویی با این بحران توصیه شده است. از نظر او، اضطرار، با امتیازات انحصاری نیز همراه بوده است.^۱ بر اساس این نظر، عده‌ای از پژوهشگران نظیر یادو^۲ این فرضیه را مطرح کردند که بحران مذکور، ریشه اصلی گذار جامعه هند از دوره باستان به دوره میانه یا قرون وسطای هندی بوده است. عمده تمرکز این پژوهشگران نیز بر هشدارهای هراس‌انگیزی بود که در پورانه‌ها و متون مرتبط با آن‌ها درباره کلی یوگه آمده بود. یادو^۳ بر همین اساس، آغاز این دوره گذار را بین قرون ششم تا نهم میلادی تعیین کرد.^۳ مورخان از آن پس وجود اصطلاح «کلی» در هر کتیبه یا متنی را نشانه وجود «بحران اجتماعی» تلقی کردند، و کلیشه‌های کاتبان درباری نظیر این‌که فلان شاه، زمین را از شرارت‌های کلی یوگه پاک گردانید یا شاهی دیگر همیشه آماده بود تا درمه را که به خاطر کلی به قهقرا رفته بود احیا کند، بر اساس همین دیدگاه تفسیر شد.^۴ حتی راجان گوروکال^۵ مورخ هندی، استدلال کرد که چون یکی از پادشاهان کلبه^۶ در کتیبه‌ای به عنوان «پادشاه کلی» معرفی شده، پس «دوره میان‌سلسله‌ای کلبه»^۷ در تاریخ جنوب هند همان «بحران سرتاسری» بوده که گذاری تاریخی را در آن منطقه سبب شده است.^۸

کلی یوگه در باور هندوها به شش دوره تقسیم شده که هر دوره با حکومت پادشاهی

1. Sharma, Ibid.

2. Yadava

3. Veluthat, Ibid, p.174.

4. Jha, D.N., (ed.), *The Feudal Order: State, Society and Ideology in Early Medieval India*, Manohar, New Delhi, 2000, pp.8-10.

5. Rajan Gurukkal

6. Kalabra

۷. البته مورخان جدید معتقدند فرضیه وجود «دوره میان‌سلسله‌ای کلبه» (Kalabhra Interregnum) اعتبار چندانی ندارد و شواهد مربوط به آن ضعیف هستند، ضمن آن‌که با اسناد تاریخی قطعی نیز ناسازگارند. حتی خود راجان گوروکال هم در آثار جدیدتر خود به‌مرور از عقیده قبلی‌اش نسبت به آن عقب‌نشینی کرده است (نک. Veluthat, 2014, p. 174).

8. Gurukkal, Rajan, "Early Social Formation of South India and its Transitional Processes", H.V. Sreenivasamurthy, B. Surendra Rao, Kesavan Veluthat and S.A. Bari, eds., *Essays on Indian History and Culture: Felicitation Volume to Professor B. Sheikh Ali*, New Delhi, 1990, pp.9-23; Idem, *The Kerala Temple and Early Medieval Agrarian System*, Sukapuram, 1992, p.27.

در منطقه‌ای از هندوستان آغاز می‌شود و مقدار مشخصی به طول می‌انجامد. قدمت این تقسیم‌بندی معلوم نیست، و قدیمی‌ترین اشاره‌ای که در اسناد هندی به دست ما رسیده، متعلق به آیین^۱ در کتاب *اکبری*^۲ است، که متعلق به سال ۱۵۹۵ میلادی است. البته این سند، تنها نام پادشاه بنیان‌گذار هر دوره و طول مدت آن را به دست می‌دهد و از محل حکومت آن پادشاهان چیزی نمی‌گوید. اما به هر حال، قدمت این تقسیم‌بندی نمی‌تواند چندان زیاد باشد، زیرا هیچ اشاره‌ای به آن را حتی در پورانه‌ها (که نسبت به سایر متون هندو بسیار متأخرتر هستند) نمی‌یابیم.^۳ بعضی از سال‌نماهای اصلی هندو، بندی شعرگونه را در همین باره نقل می‌کنند که از اقوال شایع در افواه بوده و نمی‌توان آن را به هیچ منبع خاصی نسبت داد، و برای تکمیل آن، فقره‌ای منثور نیز به آن می‌افزایند. بعضی هم این فقره منثور را بدون ذکر آن بند شعرگونه می‌آورند. بند شعرگونه، چنین است:

یودیشثیره^۴، ویکرمه^۵ و شالیواهنه^۶، سپس ویجیابیندنه^۷ پادشاه، سپس ناگارجونه^۸
پادشاه، [و] کلکین^۹. سنت اعلام کرده که اینان شش بنیان‌گذار دوره‌ها در کلی یوگه خواهند بود.^{۱۰}

مضمون کلی فقره مزبور، صرفنظر از بعضی اختلافات جزئی در منابعی که آن را آورده‌اند، چنین است: ۱. دوره یودیشثیره یا درمه^{۱۱} که آن را یودیشثیره پادشاه در ایندراپراسته^{۱۲} (در دهلی) بنیان‌گذاری کرد. این دوره ۳۰۴۴ طول کشید، یعنی از ابتدای کلی یوگه تا سال ۵۸ ق.م. ۲. دوره ویکرمه که آن را ویکرمه پادشاه در اوچین^{۱۳} (در مالوا^۱) بنیان

1. Āin

2. Akbarī

3. Fleet, J. F., "The Kaliyuga Era of B.C. 3102", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, Cambridge University Press, Jul., 1911, pp.675-698, 682-683.

4. Yudhishṭhira

5. Vikrama

6. Śāliwāhana

7. Vijayābhinandana

8. Nāgārjuna

9. Kalkin

10. Ibid, p.694.

11. Dharma

12. Indraprastha

13. Ujjain

بنیان نهاد. این دوره ۱۳۵ سال طول کشید، یعنی از سال ۵۸ ق.م تا سال ۷۸ میلادی. ۳. دوره شالیواهنه که همان دوره شکه^۲ است. این دوره را شالیواهنه پادشاه در سال ۷۸ میلادی در پرتیشثانه^۳ (در پیتن^۴، در گوداوری^۵) آغاز کرد و ۱۸۰۰۰ سال طول خواهد کشید. ۴. دوره ویجیاپیندته^۶ پادشاهی که ظاهراً محل حکومتش در پنجاب^۷ خواهد بود و دوره‌ای که او بنیان خواهد نهاد ۱۰۰۰۰ سال طول خواهد کشید. ۵. دوره ناگارجونه^۸ پادشاهی که در بنگال (و بنا بر بعضی روایات دیگر، در ساحل رود کوری^۹ میسور یا مدرس) حکومت خواهد کرد و دوره‌اش ۴۰۰۰۰۰ سال طول خواهد کشید. ۶. دوره کلکین، که ۸۲۱ سال طول خواهد کشید و با تمام شدن دوره او کل دوران کلی یوگه که ۴۳۲۰۰۰ سال است به پایان خواهد رسید. یک روایت، کلکین را پادشاه دانسته و محل حکومت او را در سرزمین گوده^{۱۰} قرار داده است. بعضی روایات نیز او را بر حسب عقیده رایج، تجسم ویشنو دانسته و محل ظهورش را گرویره^{۱۱} در سرزمین کرناتکه^{۱۲} (در بمبئی) نوشته‌اند. روایت دیگری هم هست که باز او را پادشاه دانسته و بر اساس متون پورانه‌ای، محل حکمرانی‌اش را روستایی به نام سمبله^{۱۳} (یا شمبله^{۱۴})، ظاهراً در ناحیه مرادآباد^{۱۵} در منطقه ولایات متحده^{۱۶} تعیین کرده‌اند. البته جیوتیرویدابارته^{۱۷} نام آخرین پادشاه را بلی^{۱۸} (به جای کلکی) نوشته است.^{۱۹} طبق متون هندویی متأخر، آغاز دوره کلی یوگه، با مرگ کریشنا در ارتباط است. در

1. Mālwa
2. Śaka
3. Pratiśthāna
4. Paithān
5. Gōdāwari
6. Vijayābhīnandana
7. Panjāb
8. Nāgārjuna
9. Kāvēri
10. Gauḍa
11. Karavira
12. Karnāṭaka
13. Sambhala
14. Śambhala
15. Mōrādābād
16. United Provinces
17. Jyōtirvidābhāraṇa
18. Bali
19. Ibid, p.682.

وایو^۱ و هم‌چنین در برهمانده پورانه و متسیه پورانه، گفته شده است که «کلی یوگه در روزی که کریشنا مُرد، آغاز گردید».^۲ دو متن باگوتّه پورانه و ویشنو پورانه، با عبارتی مشابه، در این باره می‌گویند:^۳

وقتی این تجلی از خداوندگار ویشنو، به نام کریشنا، به آسمان رفت، آن‌گاه کلی وارد جهان شد، که به سبب او مردم از گناه خوششان می‌آید. تا وقتی که او، خداوندگار لاکشمی، [زمین را] با پاهای زیباتر از سوسن‌های آبی لمس می‌کرد، کلی از هجوم به زمین بهره‌ای حاصل نمی‌نمود. آنان که از وقایع گذشته خبر دارند، می‌گویند که کلی یوگه از همان روزی فرا رسید که کریشنا به آسمان رفت.^۴

قدیمی‌ترین کتیبه‌هایی که به دوره کلی یوگه به عنوان روزگاری که ما در آن هستیم اشاره می‌کنند، شش تا هستند:

۱. کتیبه پولاکشین دوم^۵، پادشاه چلوکیه^۶ در آیهول^۷ در ناحیه بیجاپور^۸ در بمبئی، که می‌گوید: «وقتی سی، و سه هزار و پنج سال، به ضمیمه هفت قرن از سال‌ها، از جنگ بازته سپری شده است: وقتی پنجاه، شش و پانصد سال از پادشاهان شکه نیز در کلی یوگه سپری شد».^۹ اشاره متن به گذشت ۳۷۳۵ سال از جنگ مهابارته، و سپری شدن ۵۵۶ سال از دوره حکومت شاهان شکه، ما را به سال ۶۳۴ یا ۶۳۵ میلادی می‌رساند.^۹

۲. کتیبه‌ای متعلق به زمان پُرانتکه^{۱۰}، پادشاه پاندیه‌ای^{۱۱} در آنمَلی^{۱۲} در ناحیه مدورا^{۱۳} در مدرَس، که می‌گوید: «وقتی در طول کلی یوگه، سه هزار و هشت قرن همراه با هفتاد و

1. Vāyu

2. Ibid, p.688.

۳. آنچه نقل می‌شود عبارات باگوتّه پورانه است که با مختصر تفاوتی در ویشنو پورانه هم آمده است.

4. Ibid, pp.688-689.

5. Pulakēśin II

6. Chalukia

7. Aihole

8. Bijāpūr

9. Ibid, pp.689-690.

10. Parāntaka

11. Pāṇḍya

12. Āṇamalai

13. Madura

یک... سپری شد، در روز پوشنه^۱ در ماه کارتتیکه^۲. این جمله، به ما می‌گوید که در زمان نگارش کتیبه، ۳۸۷۱ سال از کلی یوگه گذشته بوده است، که برابر با حدود سال ۷۷۰ میلادی است.^۳

۳. کتیبه‌ای روی الواح مسی، از یک پادشاه هندی به نام کرونددگن^۴ که در اداره حضور^۵ در تریوندروم^۶ در ولایت تروئکوره^۷ یافت شده، و می‌گوید: «روزی که در آن، چهارده-قرن-هزار، چهل-نه هزار، و هشتاد- هفت روز از شمار [ایام] کلی یوگه گذشت». رقم ۱۴۴۹۰۸۷ روز که در این کتیبه آمده، نوعی بیان تاریخ است که به آهرگنه شهرت دارد و عبارت است از محاسبه تعداد روزهایی که از کلی یوگه سپری شده است. این رقم، در واقع تاریخ ۸ ژوئیه سال ۸۶۶ میلادی را به ما نشان می‌دهد.^۸

۴. کتیبه‌ای متعلق به زمان پُرانتکه اول^۹، پادشاه چوله‌ای^{۱۰}، در گرامم^{۱۱} در ناحیه ارکوت جنوبی^{۱۲} در مدرس، می‌گوید: «سال کلی یوگه، چهار هزار و پنجاه و چهار، سی و ششمین سال [حکومت] پَرکَسَریورَمَن^{۱۳} پادشاه که مدیری را گرفت». این جمله، به سال ۴۰۴۴ از کلی یوگه اشاره می‌کند (بی آن‌که بگوید این مقدار سال گذشته یا هنوز نه)، که با توجه به جزئیات دیگری که در کتیبه هست احتمالاً مربوط به سال ۹۴۳ میلادی است.^{۱۴}

۵. کتیبه‌ای از پَرکَسَریورَمَن-اوتمه-چوله^{۱۵}، پادشاه چوله‌ای، در اوئیگندان- تیروملی^{۱۶} در ناحیه تریچینوپولی^{۱۷} در مدرس، که به سال ۹۰۱ شکه‌ای، و ۴۰[۸] از کلی یوگه اشاره

1. Paushna
2. Kārttika
3. Ibid, p.690.
4. Karunandaḍakkan
5. Huzūr
6. Trivandrum
7. Travancore
8. Ibid, p.691.
9. Parāntaka I
10. Choḷa
11. Grāmam
12. South Arcot
13. Parakēsarivarman
14. Ibid, pp.691-692.
15. Parakēsarivarman-Uttama-Chōḷa
16. Uyyakkonḍāṅ-Tirumalai
17. Trichinopoly

کرده است. این کتیبه با توجه به جزئیات دیگری که در آن است، به سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ میلادی تعلق دارد.^۱

۶. کتیبه‌ای از همان پادشاه در تیروویدیمروودور^۲ در ناحیه تنجوره^۳ در مدرس که به سال ۳ [۸] ۴۰ از کلی یوگه اشاره دارد، که برابر با حدود سال ۹۸۲-۹۸۳ میلادی است.^۴ در کتیبه‌ای دیگر که در سی^۵ پیدا شده و متأخرتر از موارد فوق است، به سال ۴۲۷۰ از کلی یوگه اشاره شده که مقارن با سال ۱۱۶۹ یا ۱۱۷۰ میلادی است. هم‌چنین دو کتیبه دیگر نیز، یکی در مندو^۶ و دیگری در خونموه^۷ کشمیر پیدا شده که به ترتیب، به سال‌های ۴۵۳۰ و ۴۶۲۲ از کلی یوگه اشاره دارند، که برابر با سال‌های ۱۴۲۸ و ۱۵۲۰ میلادی هستند.^۸ کتیبه‌ای متأخرتر نیز در معبد هنومت^۹ در جیسلمیر^{۱۰} در راجپوتنه^{۱۱} پیدا شده که در آن به سپری شدن ۴۸۹۸ سال از آغاز حکومت یودیشتییره (به‌طور غیرمستقیم، یعنی از آغاز دوره کلی یوگه) اشاره شده، و این تقریباً برابر با سال ۱۷۹۸ میلادی است.^{۱۲}

متفکرین بزرگ هندو در زمان ما نیز به مقایسه و تطبیق وضعیت فعلی جهان با پیشگویی‌های متون مقدس درباره آخرالزمان پرداخته‌اند. راداکریشنان، فیلسوف بزرگ هندی، در کتاب خود کلکی یا آینده تمدن، می‌نویسد:

امپراتوری بعد امپراتوری، به خاطر جاه‌طلبی خود در تحمیل سلطه‌اش بر همه جهان نابود گردید، و تمدن بعد تمدن به خاطر انحطاط معنوی رو به افول نهاد. نویسنده یک متن هندو به نام ویشنو پورانه از ما می‌خواهد که با دیدن این اوضاع در اندیشه فرو رفته و منتظر ظهور آخرین اوتاره یعنی کلکی باشیم: زمانی که جامعه به مرحله‌ای می‌رسد که منزلت هرکس را فقط دارایی تعیین می‌کند، ثروت تنها منبع فضیلت می‌شود، شهوت تنها

-
1. Ibid, p.692.
 2. Tiruvidaimarudūr
 3. Tanjore
 4. Ibid, p.692.
 5. Sai
 6. Mando
 7. Khunmōh
 8. Ibid, pp.692-693.
 9. Hanumat
 10. Jaisalmer
 11. Rajputana
 12. Ibid, p.694.

عامل پیوند بین زن و شوهر می‌گردد، بطالت موجب پیشرفت در زندگی می‌شود، رابطه جنسی تنها وسیله کامیابی می‌گردد و دام‌های بیرونی در تقابل با دین، درونی می‌شوند.^۱

نتیجه

برخلاف سنت ملل سامی که زمان را دارای یک خط سیر طولی می‌دانند که در نقطه آغاز و در مرحله‌ای نیز به فرجام خود می‌رسد، در سنت هندو، زمان به صورت چرخه‌هایی تودرتو در نظر گرفته می‌شود که هر چرخه، ضمن این که خود بخشی از یک چرخه بزرگ‌تر است، به چرخه‌های کوچک‌تری هم تقسیم می‌شود. مدت این چرخه‌ها با هم متفاوت است و البته هر کدام چندین هزار سال به طول می‌انجامد. کوچک‌ترین چرخه زمان، مها یوگه (دوره بزرگ) است که چهار دوره کوچک‌تر دارد: کرته یوگه، ترتا یوگه، دواپره یوگه و کلی یوگه. وقتی دوره کلی یوگه به پایان می‌رسد بلافاصله اولین دوره از چرخه اصلی، یعنی مها یوگه، آغاز می‌گردد. از این رو، می‌توان کلی یوگه را تا حدی دارای همان مفهوم «آخرالزمان» دانست، و البته تردیدی نیست که مفهوم این اصطلاح در سنت هندو با مفهومی که در سنت ملل سامی و غرب آسیا دارد متفاوت است. مدت دوره کلی یوگه بیش از چهارصد هزار سال است، و بیشتر هندوها معتقدند که این دوره از حدود پنج هزار سال پیش آغاز شده و ما نیز در آن به سر می‌بریم، و فعلاً در «طلیعه» آن هستیم. متون هندو، عمدتاً کلی یوگه را دوره‌ای ناخوشایند توصیف کرده‌اند که در آن، ظلم و شرارت بر عدل و نیکی غلبه دارد و تنها یک چهارم درمه در آن اجرا می‌شود. در این دوره، مردم به اخلاق و دین پایبند نیستند و ظالمان و سرکشان بر ملت‌ها مسلط شده‌اند. البته این دوره به سبب شرایط خاص خود، دارای امتیازاتی نیز هست که یکی از آن‌ها، آسان‌تر بودن رستگاری در سایه عمل به دین و پایبندی به اخلاق و تزکیه نفس و اخلاص در راه خدا است. به نظر می‌رسد که پیدایش این عقیده ناشی از تأثیر نهضت بکتی در مناطق مختلف هندوستان بوده باشد. از آن‌جا که باور هندوها در قرون گذشته بر این قرار گرفته که کلی یوگه فرا رسیده است، دانشمندان قدیم هندو بر اساس برخی محاسبات، سال مشخصی را به عنوان نقطه آغاز این دوره در نظر گرفته و بسیاری از تاریخ‌نگاران هندی نیز آن را به عنوان مبدأ تاریخ پذیرفته‌اند. از اسنادی

1. Radhakrishnan, S., *Kalki or the Future of Civilization*, Hind Kitabs Limited, Bombay, 1948 (reprint: 1949), p.34.

که گذر زمان و دوره حکومت بعضی پادشاهان را با این مبدأ تاریخ محاسبه کرده‌اند چندین کتیبه و سند تاریخی در اختیار ماست که قدیمی‌ترین آن‌ها مربوط به حدود سال ۶۳۵ میلادی است.

منابع

- ابوطالبی، صادق، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو»، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، موحیدیان عطار، علی (ویراستار)، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۳.
- ایونس، ورونیکا، شناخت اساطیر هند، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱ش.
- دالاپیکولا، آنا ال، اسطوره‌های هندی، ترجمه عباس منخبر، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۰ش.
- Coulter, Charles Russell, *Encyclopedia of Ancient Deities*, Turner, Patricia, Chicago & Fitzroy Dearborn, London, 2000.
- Fleet, J. F., "The Kaliyuga Era of B.C. 3102", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, Cambridge University Press, Apr 1911.
- Idem, "The Kaliyuga Era of B.C. 3102", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, Cambridge University Press, Jul 1911.
- Gurukkal, Rajan, "Early Social Formation of South India and its Transitional Processes", H.V. Sreenivasamurthy, B. Surendra Rao, Kesavan Veluthat and S.A. Bari, eds., *Essays on Indian History and Culture: Felicitation Volume to Professor B. Sheikh Ali*, New Delhi, 1990.
- Idem, *The Kerala Temple and Early Medieval Agrarian System*, Sukapuram, 1992.
- *Jñānappāna*, by: Pūntānam, translated by Vijay Nambisan, *Puntanam and Melpattur: Two measures of Bhakti*, New Delhi, 2009 [quoted in: Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 41 (2), 2014.
- Jha, D.N., (ed.), *The Feudal Order: State, Society and Ideology in Early Medieval India*, Manohar, New Delhi, 2000.
- Jones, Constance A. and Ryan, James D., *Encyclopedia of Hinduism*, Facts On File, Inc., New York, 2007.
- Lochtefeld, James G., *The Illustrated Encyclopedia of Hinduism*, The Rosen Publishing Group, Inc., New York, 2002.
- Monier-Williams, Monier, *Sanskrit English Dictionary with Etymology*, Oxford University Press, 1899 (Reprinted by Motilal Banarsidass, 1960).
- *Matsyapurāṇa* [English translation in: Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 41 (2), 2014.
- *Nārāyaṇīyam*, by: Bhatta, Melputhur Narayana, (with Malayalam commentary), 6th edition, Guruvayur, 2008 [English translation in: Veluthat,

- Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 41 (2), 2014.
- Pandey, Krishna, & Chauhan, Trepan Singh, and Upadhyay, Anjla, "The Description of Kaliyuga", *Indian Literature*, Sahitya Akademi, vol.46, no.2, March-April, 2002.
 - Radhakrishnan, S., *Kalki or the Future of Civilization*, Hind Kitabs Limited, Bombay, 1948 (reprint: 1949).
 - Sachau, Edward C., *Alberuni's India*, Kegan Paul, Trench, Trübner & Co., London, vol. II, 1910.
 - *Sri Guro Granth Sahib*, Kartar Singh Duggal(trans.), Hemkunt Publishers, New Delhi, 2004 (reprint: 2005).
 - *Srimad-Bhagavatam (Bhāgavata purāṇa)*, translated by Bhaktivedanta swami Prabhupada, Bhaktivedanta Book Trust, New York, 1972.
 - Sharma, Ram Sharan, "Joint Notices of Women and Sudras in Early Indian Literature", *Light on Early Indian Society and Economy*, Bombay, 1966.
 - Idem, "Co-References to Women", *Perspectives in Social and Economic History of Early India*, New Delhi, 1983.
 - Idem, "The Kali Age: A Period of Social Crisis", S.N. Mukherjea, ed., *India: History and Thought (Essays in Honour of Professor A.L. Basham)*, Calcutta, 1982, reproduced in: D. N. Jha, ed., *The Feudal Order: State, Society and Ideology in Early Medieval India*, Manohar, New Delhi, 2000.
 - Shastri, Jagdish Lal; Kunst, Arnold; Bhatt, G. P; *Ancient Indian Tradition & Mythology (Puranas in translation)*; Motilal Banarsidass, Delhi, vol.27, 1988.
 - *The Brahmāṇḍa Purāṇa*, translated into English by Dr. G. V. Tagare, Motilal Banarsidass Publishers, Delhi, 1983 (rep. 2000).
 - *The Mahabharata*, trans. by Protap Chandra Roy, Bharata Press, Calcutta, 1884, vol. 2.
 - Veluthat, Kesavan, "Making the Best of a Bad Bargain: The Brighter Side of Kaliyuga", *Indian Historical Review*, 41 (2), 2014.
 - *Viṣṇu Purāṇa*, H. H. Wilson(trans.), Fitzedward Hal(ed.), Trubner & Co., London, vol. 5, part 1, 1870.
 - Werner, Karel, *A Popular Dictionary of Hinduism*, Curzon Press, Richmond, 2005.
 - Yadava, B. N. S., "The Accounts of the Kali Age and the Social Transition from Antiquity to Middle Ages", *Indian Historical Review*, vol.V(1-2), (July 1978-January 1979), reproduced in Jha, ed., *The Feudal Order: State, Society and Ideology in Early Medieval India*, Manohar, New Delhi, 2000.
 - Yano, Michio, "Calendar, astrology and astronomy", Flood, Gavin (ed.), *Blackwell Companion to Hinduism*, Blackwell Publishing, Malden (Massachusetts), 2003.
 - Yogananda, Paramhansa, *Autobiography of a Yogi*, The Philosophical Library, New York, 2005 (second print).